

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: با توجه به جلسه اول کتاب «آشتی با خدا»، به صورت کلی و یک قاعده عمومی بیان می‌کنید که پوچی عامل کفر است و کفر به یاس می‌گراید، این در حالی است که افراد بسیاری وجود دارند که هیچ بهره‌ای از ایمان به خدا ندارند ولی به پوچی و یاس نرسیده‌اند (جزو حالتی که خودشان پوچیشان را درک نمی‌کنند نیستند). این مسئله را با آن قانون کلی چگونه می‌شود جمع کرد؟ و آیا هر زندگی غیر الهی به پوچی می‌رسد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: لایه‌ی اصیل انسان فطرت انسان است و فطرت تنها با اُنس با خدا زنده می‌ماند. لذا این نوع افراد که می‌فرمایید ممکن است به جهت مشغله‌های دنیایی، آگاهی روشن و ملموسی به پوچی خود نداشته باشند، ولی در عمق جان که از آن‌ها جدا نیست در جان خود غم بی‌خدایی را دارند. حال چه در این دنیا و چه در آن دنیا وقتی این مشغله‌ها فرو افتد با چنین غم جانکاهی روبه‌رو خواهند شد. موفق باشید